



نقش‌ها اثر ویتنام و تکرک

زیبایی شناسی سیاسی

نقش هنر در تحول فرهنگ سیاسی

از دهه ۹۰ انقلاب هنری سیاسی بی شماری که از سوی هنرمندان و گروه‌های هنری صورت گرفته است توجه رسانه‌ها و بدین وسیله توجه شهروندان را جلب کرده است. هنرمندان کثرت‌های هنری‌شان را با دیگر کارهای اجتماعی پیوند می‌زنند (نوع عنوان مثال Park Fiction اثر کی‌سنگ شفر در هامبورگ) و کارهای گروهی را تبلیغ می‌کنند. آثار هنری می‌خواهند با اقدامات تحریک‌آمیز روشنگری کنند و در مورد امور پنهانی سؤال کنند یا روابطی را که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند نشان دهند.

هنرمندان به صورت سیاسی موضوعات هر روز مثل تکنولوژی زنتیکه، انرژی اتمی، رسانه و جهانی‌سازی را دوباره مطرح می‌کنند. استگنر، کارل هاینز اشتک هر سن (Karl-Heinz Stockhausen)، جمله تروریستی به ساختمان‌های تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را که توسط رسانه‌ها ساخت‌ها نمایش داده شده به عنوان یک اثر هنری مطلق قلمداد کرد. یک سال بعد هنرمند انگلیسی دانی هرست نیز ساختمان مشرفی بیان کرد تلاش هر دو برای ارائه زینت‌نفسانه جملات بیشتر به تحریکی گنجانید که در رسانه‌ها با هم‌مدان دهن زنده شده، در حالی که انگیزه این هنرمندان برای اظهارات و تفکر و قدردانان به سختی مورد تأمل قرار گرفت.

به گفته فریک هر چیزی که از نظر اخلاقی و قانونی زننده نیست باید آن را به عنوان زیبا ارزیابی کرد. روشنی اصل قانون اساسی (آلمان) حدود از اندازه اجتماع به حوادث هنری را محفوظ نگه می‌دارد تا با این اصل آزادی تفکر و بیان‌شناسی، موضوعات دلخواه و همچنین حملات تروریستی و تصاویر زن و امور در حمایت قرار نمی‌دهند!

غربی و همچنین ساختمان‌هایی که دیگر موجود نیستند - همچون کاخ برلین - پایه چه کار کرده؟ تعداد می‌شمار پنهانی پانزده قدیمی و جدید منجر به بحث‌های اصولی اخلاقی، تاریخی و... می‌شوند. این بررسی‌ها را می‌توان به عنوان بحث‌های بنیادی در مورد تصویر برداشت آلمان متحد از خود فهمید.

با بررسی متون دنیای دیپلماتیک سفارت‌های خارجی و نمایندگان‌های کشورهای این سؤال به وجود می‌آید که آیا اصولاً میک معماری ملی وجود دارد؟ به عنوان مثال برخی کشورهای شمالی تصویری مشترک و خاصی از خود ارائه می‌دهند. برخی سفارت‌خانه‌ها ساختمان‌های قدیمی مربوط به زمان نازیسم را مجدداً فقط با برخی تغییرات جزئی ارائه کرده‌اند. به صورتی که عناصر فاشیسم از بین برده یا دوری تاریخ یا فراموشی تاریخ؟ برخی دیگر از ساختمان‌های گذشته آلمان شرقی استفاده می‌کنند و تنها جایی برای عناصر جدید در فضای ظاهری ایجاد می‌کنند. صرفه‌جویی یا هماهنگی و ادغام در کشور میزبان؟ بسیاری از سفارت‌خانه‌ها - ایفان معماری در گزار و پنهانی جدیدی ایجاد کرده‌اند. نشانه‌های از اعتماد به نفس ملی؟ معماری پیام‌های سیاسی را منتقل می‌کند.

مستند است می‌کند و به عنوان محل نگهداری آثار برای مراجع خاص دولتی ایفای نقش می‌کند. ساختمان جدید پارلسون هم تعداد زیادی آثار هنری را ارائه می‌دهد. ساختمان پارلمان آلمان باید به بنایی جهت باز دید - شهروندان و مجلس تبدیل شده - بنا به گفته پاتنگ تیرز، رئیس مجمع هنری آلمان، معماری و آثار هنری تجریمی قادرند مردم را دعوت کنند که هویت دموکراتیک را شکل دهند. شهروندان می‌توانند آثار هنری را با توضیحات تکمیلی در قالب نشانه‌های هنری یا در مجموعه‌های تصویری ملاحظه کنند.

هنر ملی در آلمان وجود ندارد اما در بسیاری از نمایندگان‌های دولتی بسیاری از کشورها با هنر ملی‌شان در واقع هویت خود را ارائه می‌دهند.

معماری و هنر برای عرضه خود نقل مکان پایتخت به برلین (این شهر بعد از اتحاد دو آلمان مجدداً پایتخت آلمان واحد شده) منجر به بحث‌های پارلمانی و بررسی‌های دقیق عمومی شده. اینکه چگونه می‌توان به معماری آلمانی سیاه عبارت دیگر معنای سیاسی و پایتخت جدید شکل داد؟ آیا یک عنصر مشخص سیاسی به خودی خود یک نماد سیاسی است؟ آیا معماری می‌تواند دموکراتیک باشد؟ با ساختمان‌های تاریخی در برلین شرقی و

داکارا و بیشتر هنر تولید در سیاست اقتصاد و رسانه به نظر می‌رسد. مستحکم‌ترین اجتماعی فرهنگ سیاست و اقتصاد به طور روز افزون با یکدیگر پیوند می‌خورند و تحت تأثیرات زینت‌نفسانه قرار می‌گیرند. آیا پذیرش همسر و بدین طریق ورود به سیاست اقتصاد یا جمله «برای فرهنگ سیاسی جذاب است؟

آیا می‌توان از هنر به صورت روشی آموزشی استفاده کرد یا ورود زینت‌نفسانه بیشتر مانع امکان بررسی دقیق و عقلانی سیستم‌ها می‌شود؟ برخی مثال‌ها باید در روابط گوناگون بین سیستم‌ها و اختلالات نقش مربوط به آنها را به تصویر بکشند. آیا خود این مثال هم به عنوان موضوعات بررسی مناسب هستند؟ پانزده این آیا هنر یک محتوای بررسی است یا فقط وسیله‌ای است برای تبیین مفاهیم دیگر یا به عنوان مثال مفاهیم سیاسی؟

هنر برای ایجاد هویت دموکراتیک جمهوری فدرال آلمان خود را به عنوان دوست‌دار هنر نشان می‌دهد. هر کس موزه هنر فدرال که با خریدهای خود رویدادهای هنری ملی روز را به صورت

هنر کنشسی به عنوان رویداد هنرمندان کنش گره کنستو و چین کلوده در سال ۱۹۹۵ بعد از تلاش های چندساله برای دریافت مجوز (از سال ۱۹۶۱) بالاخره توانستند در روز وحدت در آلمان غربت رایش را با پرده پوشانند در مجلس و دیگر نقاط آلمان و چین پرده پوشی در مورد کنش بحث شد. کل فرایند کنسرو ایجاد می کند. هنرمندان همیشه از همه چیز برای تأمین هزینه ها و بهر هر کاری تجاری استفاده می کنند. باز دید مجلس پرده پوشی شده تبدیل به رویداد و سرگرمی برای ملت و مردم شد.

هنر و مفهفت از هنر باز رابطه نزدیکی بین پول و هنر وجود داشته است. سلیبر می گویند و خدای زمین فرماتوری می کند پول ارتباط بین هنر و سود، رفاه و ثروت می دهد. علاوه بر این صندوق خالی کشورها و بخش ها مشکلات مالی برای خلق هنر به وجود می آورد بنابراین این امر که هنر بتواند به عنوان نوعی سرمایه گذاری سودده برای ایجاد وجهه ظاهر شرکت یا نمایش وضعیت قدرت خدمت کند مطلوب و به نظر می رسد.

آیا هنر بدین وسیله از فرهنگ مهربان به غیر هنر - همان چیزی که منتقدان از آن نگرانند - تبدیل نمی شود؟

گرهارد مرتس (Gerhard merz) مدد کپسول فضا را به عنوان عنصرهای طراحی برای برنامه فرهنگی شهر کنسرسیوم فلکس واگن (۷۵) شکل دهی کرد. روزماری ترکل (Rosemarie Trockel) یا یورگ ایمنهورف (yorglmannendorf) به عنوان مبلغ لباس های ملارک به بخشی از جریان ستایش ستارگان تبدیل شدند.

هنر و حمایت مالی: مشکلات اقتصادی مفلحت دولتی، موجب جست و جوی شده هنری جهت یافتن حامیان و اسپانسرها برای برنامه های فرهنگی می شود که پیش از این به عنوان وظیفه های دولتی تلقی می شد. همچنین بخش مرکزی فخرال برای ایجاد فرهنگ سیاسی به عنوان اسپانسر و حامی ایفای نقش می کند و آرم (کیسو) BPP آن، کنسرت لکوه های بلک های پس نماز و بیمه ها به چشم می خورد. این نهاد از نمایندگان نمایش های تئاتر و گنگرهای که به فرهنگ و سیاست مرتبط می شوند حمایت می کند که سپس آن نوساس گروگر (Tomaskrouger) همچنین عضو فوجن فرهنگی حزب سوسیال دموکرات است. این ایده هر پس پرده قرار دارد که شهرنویان را حتی وقتی که به سیاست علاقه ای ندارند به وسیله هنر یا فرهنگ به صورت ناخودآگاه و فاذاکبر کننده به سوی موضوعات سیاسی بکشند. به این دلیل که هنر زیباتر از سیاست است؟

زیبایی شناسی برای سیاست زدایی؟ پیش از این زیبایی شناسی در سیاست بسیار مورد توجه و مداول قرار گرفته است. کت و شلوارها یا حمل کشیدن پوست صورت بر لوستکی موضوعات مورد علاقه گفتگو گواهاست. بعضی از این موضوعات نیزهای حرف های بسیار علیه را ارضاس می کند و جامه و آئین در کنسرت هم تکه می درازد اگر موضوعات پیچیده تر و جامع تر شوند در گفتگو گواها نظرات در مورد سیاست آسان تر قابل فهم می شوند. به نظر می رسد زمانی که سیاست فقط به صورت زیبانشناسی در ذهنی رساله وارد می شود - وقتی که پیشتر در مجلس فقط منطق نمایش تئاتری را در پی دارند - از مرزها عبور شده است. آیا می توان قلب های مردم سیاسی و غیرسیاسی را از هم تمیز داد. وقتی که یادگیرنده یا مکالمه سم کارگرماسی به روش تئاتر گونه سیاست مأموس شده است؟

این استفاده از برای در ارتباط با موضوع جذاب واضح تر می شود. به دنبال برگزاری نمایشگاه مدل های روسری این سوال پیش می آید که آیا روسری زنان مسلمان از نظر مد می تواند آنچنان

تفسیر کند که به عنوان - حیل از بین برود؟ تنزل مسائل سیاسی به مسائل زیبانشناسانه فقط محتوا را به صورتی باور نگرانی از بین می برد (باعث از بین رفتن محتوا می شود). ایجاد جامعه چندفرهنگی به کمک تمعاد مدعا ممکن نیست و امید به اینکه یک سبیل به آسانی از بین رود واهی و باطل است. مثال هادار تیامات (همچنین از نوع شخصی که مرز بندی ها یا تقابله جدید متنوع نشان می دهد که هنر و زیبایی چه چیزی برای سیاست و اقتصاد است و بر کدام و عده ها استفاده می شوند در بعضی مثال ها نمایش هنر یک مفهوم سیاسی است و در بعضی دیگر، فقط بر خدمت علایق سیاسی و اقتصادی هستند و در بعضی باید این نسبت دو جنبی باشد. بعضی اوقات باید هنر در پیچهای به سوی سیاست یا اقتصاد باز کند. در حالی که در دیگر موارد شاید مسخر کند. کساح و عده های زیبانشناسی در پس پرده پنهان هستند و کدام هنر می تواند آن را بر طرف کند؟ آیا می تواند روشن شود؟ چه وقتی هنر مفهوم سیاسی - آموزشی است و چه وقتی فقط یک نقش خدمت کننده را بر عهده دارد؟

عده های زیبانشناسی در آموزش: همزمان در کنار عقل گرایی، عینی گرایی و تکنیک گرایی رو به رشد جهان، امسوری به عنوان بازگشت تفکر اسپنرهای ظهور پیدا کردند. این امر بخشی از فرایند مدرنی است که کروئلیا کاینگر (cronelia kliger) در اثر «گریز نسلی خال» (۱۹۹۵) نشان می دهد. این - سخت که زیبانشناسی را در مواجهه یا شکست فرد و اخلاق در متن انقلاب فرانسه به کمر بسته است توسط شیگر پایه گذاری شده است. همچنان آلمان، هفتاد گذشته به جهت دهی و نانگری برای تفکر به وسیله هنر امبدوار است که جهت مقابله با تفکر غالب یا جریان موارد موجود به کار برده می شود. به گفته یونسو (۱۹۸۵) (Dobiner) یا زول (seel) (۱۹۸۹) یک زیبانشناسی حقیقی وجود دارد. به نظر ولس هنر قادر است در فرهنگ سیاسی بسیار مهمی باشد در شناخت موضوعات ویژه در گنوخن ذهن پر روی موضوعات خاص - هو شیاری به توجه قابلیت پذیرش، عقلت گرایی (بنا بر گفته کاینگر ۱۹۹۹).

مثال های مذکور موجب تردید در خوش بینی نامحدود می شود. کاینگر دلیل ایس پدیده را که همیشه نقد مخریبت و فرامردنیت به هنر متعلق است در قابلیت آن برای تولید دادن به ایجاد کلیت و وحدتیت و مفهوم می بیند. دلیل آن را باید در توانایی ویژه شکل دهی زیبایی شناسانه جست و جوی کرد که مطلقاً منحصر به فرد بوده یا ویژه و موضوعی به بیسی - قسمتی از جهان را یک بخش، گوشه ای از حقیقت را یک کل امری انتزاعی را اجتناب ناپذیر، مطلقاً رود گنر و گذرا را پایدار و دائمی لحظه ای را یک عصر و امسری دلخواهی را بر معنا و مفهوم جاود می دهد. همیشه و مستقل از وضعیت اجتماعی یا نظام سیاسی این امید - فقط

یادگنهای مفلوت - وجود دارند و دارد. در دهه ۸۰ قرن بیستم در عاوه فلسفه همچنین بر سیاست فرهنگی و آموزشی، شدیداً به تاثیرات جهان های متخاد مربوطه زیبانشناسی امید بسته شد. در حال حاضر باز تاب رابطه هنر و سیاست در تئوری هنر، فلسفه و علوم سیاست امری مبرهن است. برای هنر تجسمی یا سیاست برای زیبانشناسی دموکراسی یا حکومت و فرهنگ تعداد بی شمار آثار منتشر شده است اما هنوز کمبود ساختار سیستماتیک تئوری احساس می شود. در وقت اقتصادی در حال حاضر را می توان به عنوان پدیده بحران تعبیر کرد. زیرا زمینه های متنوع همیشه با عده های زیبانشناسی نسبت به بحران اجتماعی و همچنین تربیتی و انکشی نشان داده است. با وجود پذیرش بی شمار زیبانشناسی، توجه زیبانشناسی به ظاهر فراموش شده موجودی خاص، لازم به نظر می رسد. زمینه یادگیری زیبانشناسی - سیاسی که به هنر تجسمی اشاره دارد همچنین آموزش هنر و سیاست دارای صبه طولانی نیستند.

در دهه ۷۰ تغییرات بسیار جدیها با هنر کنشسی، نقطه ان تراک زیبانشناسی بودند و از عده های همچون رهایی یا خود شناسی بودند. دلالتند در این دهه بیشتر اوقات، نقد انحصار طلب و ایندولوژی یا رسانه (تحت عنوان ارتباط مجازی) به عنوان نقطه آغاز برای ایجاد تئوری خدمت می کند.

در دهه ۸۰ فعالیت هایی در جهت یادگیری زیبانشناسی سیاسی به صورت نظام مند صورت گرفت. بلوک Jungbluth، ۱۹۸۷، موارد آموزشی ارائه و بیشتر در مجلات آموزشی - هنری منتشر شد.

هنر یا سیاست؟ فرایند پذیرش تعیین کننده است. کدام هنر قادر است عده های آموزشی را بر آورده کند و اصلاً هنر یا هنر سیاسی چیست؟ برای مفهوم «هنر» تعریف های بی شماری وجود دارد که می توانند به کیفیت محدودی از آثار به نسبت نوع های مختلف بیا هر به عنوان یک سیستم موجود در جامعه اشاره کنند. همچنین دانش سابق سیاسی به جست و جوی برای تعریف دیگر کمک نمی کند. ونشورا (ventura) در از ریاضه با تعقیبی در مورد هر سیاسی دهه ۹۰ در دیگر جمهوری فدرال آلمان، روی شنواری های این مفاهیم کمر کرده است. هر کثیر تر کلیات مختلف همانند تبلیغات سیاسی و هنر سیاسی، تفاوت هایی بین هنر برتر و هنر پست تر و هنر خالص و فرهنگ علیه وجود دارد. اگر چه بیشتر یک انتقادی نظر در مورد به رسمیت شناختن یک نامی، به عنوان اثر هنری وجود دارد که بیشتر هم توسط بازار هنر، جهت دهی می شود. اما در برخی موارد مشخص کردن تفاوت بین هنر و غیر هنر دشوار است. پانسیتها با تفاوت های تاریخی تفسیر می کند. در حالی که شلوار یا گونه

هنر باستانی را ستایش می کردند و در کلر هایشان به آن اشاره می کردند. هنر از دوره و متونیک به بعد نباید دیگر زیاده حقیقی یا خالص باشد و تمایزات را دنبال کند. در زمان فردریش شلگل (Friedrick Schlegel) بعدها برای مهم شدند و همچنین زشتی، شوک و خیانت می توانند به صورت ریاضه کار گر حقیقی شوند. اینکه هنر باید به تجربه بحران منجر شود. در آغاز قرن بیستم به عنوان مثال توسط آدورنو (Adorno) در نظر به زیبانشناسی اش مطرح شد. برخی آثار هنری اولیه امروزه بیشتر به باز نمایی هنر تبدیل شده است. نیکولاس ارسسه (Nikoloy Oresme) به عنوان مثال نوشته های اصلی از سلوواچر حدود سال ۱۲۷۰ میلادی و همچنین «مقایسه نوع حکومت سلطنتی و دموکراتیک» را در دربار فرانسه ترجمه و تصویر سازی کرد. این تصویرها عجیب کننده هستند و زیاده با نظر می رسد. همچنین دیگر تصویر هنری قرون وسطی که توسط پاپها یا حاکمان سفارش داده شدند از منظر امروزین تصویرهای شگفت انگیز هستند. به عنوان مثال سبیل خوبی و بدی دولت امبروگیو (Ambrogio Lorenzetti) در سبیل

تصویر (سیاسی) اگر چه هنوز هم تفسیر (سیاسی) جهان و بدین وسیله آثار مستقل هستند اما آنها انتظار طرح مشکل و تحریر یک را بر آورده نمی کنند. این خواست نیز برای تریه سیاسی غیر قابل مفلوظ است. در حالی که تصویر یا به عنوان مثال کار گر ادانهای زیبانشناسی در رسانهها به طوری توجه ها را جلب می کنند که هیچ گونه فاصله ای برای تأمل و فکر کردن به وجود نمی آید. خود هنر مفلومت می کند. هنر مخرمن به آسانی قابل فهم نیست. یک دکور تربیتی نیست بلکه محرکی برای تجزیه و تحلیل است. به دلیل مشکلات تعریف هنر، ظاهر مفید به نظر می رسد اتفاق نظر ایجاد شده امروزی را تأیید کنیم. از طریق درک زیبانشناسی ای که جریان درک روزمره را مغلط می کند. اثر هنری توسط قدرت خیال یا مفاهیم سیاسی پیوند داده می شود. به عبارتی دیگر هر ریافت هنر از خود هنر میتر است. هنر یا سیاست می تواند نقد بالقوه را شکوفا کند. هنر طاقطر رسا بر همین نده آرایش و تحریرک آمیز است. خودمختاری نسبی هنر در مقابل موضوعات فرهنگی یا رسانهها امتیاز بالقوه امکان می طر فویند. نقد یا نقی را ایجاد می کند. هنر باید نه همچون سیاست صحیح باشد و نه دلپذیر نه پوشکام و بهر رو به مقلد فرهنگ صنعتی.

هنر می تواند در مورد دلگیزها مسائل کند. در مورد موارد چندین بار و موجب ارزش ها و پیدانها نامل کند. می تواند دست به آزمایش بزند و به خاطر آورد در اصل موضوعی وجود ندارد که نتواند به صورت هنری ارائه داده شود. با این حال هنر اثرش را امرواقت به صورت اتوماتیک به ظهور نمی رسد و برنامه های سیاسی را ایجاد نمی کند. به نظر می رسد «هنر سیاسی» امروزه بیشتر به یک تعبیر برداشت و ادعا تبدیل شده است. امیدهای اولیه مبنی بر اینکه هنر فرایند تغییر را در جامعه به راه اندازد، مورد شک و تردید قرار گرفته است. ساختار سیاسی نمی تواند از هنر به نحوی ایزاری برای اهداف خود استفاده کند. زیرا تاثیر هنر، یک رابطه قابل استفاده ایزاری بین اثر و پذیرش های آن نیست. ساختاری را به بازار هنر، آن را شکل دادن یا تمیز دادن به گونه ای که یک موضوع سیاسی را از لقی جدید بتوان مورد تأمل قرار داد، سهم آموزشی فرهنگ سیاسی است. پیشتر فتها و برنامه های خوش بینانه (سابق) تربیتی، امروزه از انتظارانی معقول فاصله گرفته اند. زیرا هر فقط تا حدودی برای برنامه تربیتی مدنظر مناسب است. شخصیت گرایی (فراطلی) هنر مخرمن می خواهد و می تواند تاثیر گذار باشد و شاید هم حیرت و آویز کند.

ترجمه مهدی کریمخانی
منبع
www.eicp.net

